

سوزِ رسا

گزیده اشعار علی اکبر همیشی راوندی
مختص به «رسا»

بامقدمه: مصطفی رحیمی کاشانی

به کوشش: علی اصغر شاطری

www.ketab.ir

سرشناسه	: عیشی راوندی، علی اکبر، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: سوز رسا : گزیده اشعار علی اکبر عیشی راوندی متخلص به (رسا) / ویراستار علی اصغر شاطری.
مشخصات نشر	: کاشان: حسینیه آیت الله امامت کاشانی، مجمع متوسلین به آل محمد (ص)، ۱۳۹۶ .
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۶۹-۴۸-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: گزیده اشعار علی اکبر عیشی راوندی متخلص به (رسا) .
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
شناسه افزوده	: شاطری، علی اصغر، ۱۳۴۷ -، به کوشش
شناسه افزوده	: رحیمی کاشانی، مصطفی، مقدمه
شناسه افزوده	: حسینیه آیت الله امامت کاشانی. مجمع متوسلین به آل محمد (ص)
رده بندی کنگره	: ۹۱۳۹۶ س ۵/۴ ۸۳۵۴ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۵۷۶۱۵



مجمع متوسلین به آل محمد ﷺ

ساز رسا

گزیده اشعار علی اکبر عیسی راونیس متضمن «رسا»

با مقدمه: مصطفی رحیمی کاسانی

به کوشش: علی اصغر شاطری

ناشر: مجمع متوسلین به آل محمد ﷺ

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ: زلال کوثر

قیمت: ۱۵,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۶۹-۴۸-۴

حق چاپ برای سراینده محفوظ است.

۹.....	مقدمه.....
۱۳.....	غزلیات.....
۱۵.....	آتش عشق.....
۱۶.....	حسن یوسف.....
۱۷.....	کتاب عشق.....
۱۸.....	خون دل.....
۱۹.....	سلسله لف یار.....
۲۰.....	خستگان عشق.....
۲۱.....	غمزه با.....
۲۲.....	آب بقا.....
۲۳.....	صید دام.....
۲۴.....	ترانه.....
۲۵.....	آفتاب عالمتاب.....
۲۶.....	تشنگان عشق.....
۲۷.....	اسیر عشق.....
۲۸.....	ناله مستانه.....
۲۹.....	آهوی وحشی.....
۳۱.....	ماه پرفروغ.....
۳۲.....	خیاط ازل.....
۳۳.....	میخانه.....
۳۴.....	کمند زلف.....
۳۵.....	جام خیال.....
۳۶.....	راز دل.....
۳۷.....	یوسف کنعانی.....
۳۸.....	اسیر زلف.....
۴۰.....	گنج پربها.....
۴۱.....	قامت رعنا.....
۴۳.....	چشم شفق.....
۴۴.....	خورشید جهان.....
۴۵.....	آبی دریا.....
۴۶.....	یک تبسم.....

۴۷.....	دریای محبت.....
۴۸.....	غم.....
۴۹.....	مهمان.....
۵۰.....	بلا جویان.....
۵۱.....	جلوه‌گاه عشق.....
۵۲.....	انتظار.....
۵۳.....	مرغک چشم انتظار.....
۵۴.....	آیات حق.....
۵۵.....	دریای عشق.....
۵۶.....	هوای دوست.....
۵۷.....	هدهد صبا.....
۵۸.....	صبح آفتاب.....
۵۹.....	ماه رخشان.....
۶۰.....	مهربان.....
۶۱.....	بهار جاودانی.....
۶۲.....	دلبر.....
۶۳.....	سلسله زلف.....
۶۴.....	پیر خرابات.....
۶۵.....	افسوس.....
۶۶.....	دعوی بیجا.....
۶۷.....	آمدنت بهار.....
۶۸.....	خلوت مستانه.....
۶۹.....	شاهان جهان.....
۷۰.....	یوسف کنعان.....
۷۱.....	عمر گرانمایه.....
۷۲.....	گل.....
۷۳.....	سخن نغز.....
۷۴.....	عمر گرانمایه.....
۷۵.....	آتش دل.....
۷۶.....	پروانه عشق.....
۷۷.....	آه سرد.....
۷۸.....	چشمه زلال.....
۷۹.....	فراق.....
۸۰.....	آتش دل.....
۸۱.....	رنگ خدا.....
۸۲.....	

۱۳.....	باران.....
۱۵.....	پندیات.....
۱۷.....	عالم برزخ.....
۱۸.....	کاسب دانا.....
۱۹.....	مقام مادر.....
۹۱.....	پندگران.....
۹۲.....	مزارم.....
۹۳.....	دخترم.....
۹۵.....	بید مجنون.....
۹۶.....	تک درخت.....
۹۹.....	اشعار آیین.....
۱۰۱.....	گل سره عشق.....
۱۰۲.....	یاس احمد.....
۱۰۳.....	جلوه حق.....
۱۰۵.....	ابلاغ حقیقت.....
۱۰۶.....	محراب عشق.....
۱۰۸.....	چشم عنایت.....
۱۱۰.....	عشق مولا.....
۱۱۲.....	چشمه فیاض.....
۱۱۵.....	اوج عزت.....
۱۱۷.....	حسین.....
۱۱۸.....	سجدهگاه مؤمنین.....
۱۱۹.....	امام حسین.....
۱۲۱.....	امام رأفت.....
۱۲۲.....	دریای کرم.....
۱۲۴.....	طاووس رحمانی.....
۱۲۶.....	اشک بهاران.....
۱۲۸.....	باغ فردوس.....
۱۳۰.....	میلاد صبر.....
۱۳۱.....	چراغ حقیقت.....
۱۳۲.....	لعل درخشان.....
۱۳۴.....	شهر آفتاب.....
۱۳۵.....	ابوالفضل.....
۱۳۶.....	عباس.....
۱۳۸.....	کریلا.....

۱۴۰.....	مسلخ عشاق.....
۱۴۲.....	علی اکبر.....
۱۴۴.....	شاهدان بی سر.....
۱۴۶.....	حدیث غریب.....
۱۴۷.....	محرم.....
۱۴۸.....	محرم.....
۱۵۱.....	دوبیتی ها.....
۱۵۲.....	باغ رضوان.....
۱۵۲.....	سایه سار مهربانی.....
۱۵۲.....	چراغ کهکشان.....
۱۵۳.....	شهر آسایشی.....
۱۵۳.....	دل.....
۱۵۳.....	مخزن اسرار.....
۱۵۴.....	دل.....
۱۵۴.....	زهد فروشان.....
۱۵۴.....	گوهر یزدان.....
۱۵۵.....	نگار من.....
۱۵۵.....	صبحگاه صبا.....
۱۵۵.....	چشم جادویی.....
۱۵۶.....	هجر جانسوز.....
۱۵۶.....	فراق رخ.....
۱۵۶.....	سخن بیهوده.....
۱۵۷.....	آن قدیما.....
۱۵۷.....	آتش هستی.....
۱۵۷.....	کرشمه دل.....
۱۵۸.....	غم مولا.....
۱۵۸.....	طاقت هجر.....
۱۵۸.....	اوج فلک.....
۱۵۹.....	منزل دل.....
۱۵۹.....	افسوس.....
۱۵۹.....	دریای مهر.....
۱۶۰.....	دریای کرم.....
۱۶۰.....	مونس جان.....
۱۶۰.....	تجلی ولایت.....

عیشی که مدام منغص به هر بهانه شا
زین «سوز رسا» به خرابات جاودانه شا

مقدمه

سخن گفتن در باب مفاهیم نظری و هنری خاصه در دایره آثار ادبی، چندان سهل و ساده نیست، زیرا انسان هر قدر در این میدان، قبل از هر چیز، جوشش درونی و قریحه و ذوق پدیدآورنده آن است.

اگرچه در سیر تاریخی زندگی بشر، بسیاری از فنون ادبی ابداع و ثبت و ضبط شده است و اهل ادب نیز همواره از آن بهره برده‌اند، لیکن عنصر اصلی «زایش و جوشش درونی» که مایه و پایه اصلی پیدایش آثار ادبی به شمار می‌رود، همچنان در مقام خویش باقی و پابرجاست.

البته «شعر» در میان انواع ادبی، به لحاظ اتصال اثر به اصل درونی، از ریشه‌های وسیع‌تر و قوی‌تر برخوردار است چرا که جان‌مایه «خیال»، روح زندگی به کالبد منظوم کلمات می‌دمد و آنها را حیات شاعرانه می‌بخشد و «خیال که جوهر اصلی و عنصر ثابت شعر است، چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود و این نیرو قابل تعریف دقیق نیست، با همه کوشش‌هایی که در راه شناخت و تعریف آن شده است، همچنان مبهم است، دی لوئیس می‌گوید: قوه‌ای که خیال (یا ایماژ) شاعرانه را خلق می‌کند، تخیل است و من تصور می‌کنم که هیچ کدام از قوای ذهنی، تعریفش دشوارتر از تخیل نباشد.»^۱

این که با بهره‌مندی از فنون بلاغی و ادبی، واژه‌ها در قالب خاصی نظم یابند بی آن که از عنصر خیال بهره‌ای برده باشند، اگر چه به مقدار خود، باارزش‌اند، اما قطعاً نمی‌توان بر آن عنوان «شعر» نهاد «اگر از عناصر فنی و ظاهری شعر بگذریم، زمینه معنوی شعر را می‌توان بدین‌گونه مورد بحث قرار داد که هر تجربه شعری حاصل عاطفه‌ای یا اندیشه‌ای یا خیالی است ... یعنی اصولاً هنر وقتی جلوه می‌کند که خیال و بیان هنری در کار باشد.^۱

اساساً ذهن آدمی چه در خلق آثار هنری و ادبی و چه در گرایش به آنها، همواره خواهان ارضا و اغنیای نیزی است که او به «زیبایی»، دارد و هنگامی که به ادراک آن می‌رسد؛ به حظ و لذتی درونی دست می‌یابد که برایش بس شیرین و دلچسب است.

در تجربه شخصی بسیاری از ما، شنیدن و خواندن شعر موجب پیدایش احساسی توأم با لذت و سرخوشی است بی آن که تنبهی به ظرافت‌های شاعرانه داشته باشیم و این به دلیل خیالناکی شعر است و بار عاطفی آن البته در آشفته‌بازار شعر امروز که گاه کاسبانی شاعرنا واژگان پراکنده‌ای چند را به مدد برخی اسرار سودجو در کتابچه‌های گران‌قیمت، روانه بازار می‌کنند، یافتن اشعاری که ارزش خواندن و مایه لذت بردن داشته باشد برای دوستداران شعر و ادب، کاری صعب و دشوار شده است و دست یافتن به مجموعه اشعار زیبا و دلنشین بس غنیمت است.

کتاب حاضر گزیده‌ای از چندین دفتر اشعار جناب آقای «ای.د.بر عیسی» است که گویای برخی عواطف، اندیشه‌ها و احساس‌های شاعرانه او در قالب های غزل و قصیده و دوبیتی است و در این زمانه که بسیاری از به اصطلاح فارغ‌التحصیلان دانشگاهی حتی برخی دانش‌آموختگان ادبی در سطح عالی غیر از همان تکه‌کاغذ مدرک تحصیلی، داشته دیگری ندارند و از سرایش یک بیت شعر که نه حتی درک درست آن عاجزند، ایشان که از آموزش آکادمیک ادبی برخوردار نیستند، اشعاری چنین پراحساس و برخوردار از ظرافت‌های شاعرانه آن هم در دهه هفتم زندگی خویش سروده‌اند، خود باارزش و مغتنم است.

شعر عیشی متخلص به «رسا» اگرچه گاه به لحاظ فنی، خاصه در بخش اوزان عروضی دچار اشکالات قابل اغماضی است لیکن به لحاظ ادبی و بلاغی دارای صنایع و آرایه‌های لفظی و معنوی می‌باشد که در برخی اشعار می‌تواند در ردیف شاعران توانمند زبان فارسی به شمار رود، از وجه زبانی هم شعر او برخوردار از واژگان و کلمات ساده زبان است که در تکلف شاعرانه گرفتار نگردیده و به گونه‌ای مصداق سخن جناب شفیعی کدکنی است که: «همین کلمات ساده زبان هستند که در اثر نوع‌گزینش و پسند شاعر و حالت ترکیبی آنها با یکدیگر آن در برجستگی و تشخیص پیدا می‌کنند که خواننده تصور می‌کند از سطح معمول کلمات زبان بالاترند»^۱ علاوه بر آن نقش صور خیال یا ایماژ نیز در شعر «رسا» قابل ملاحظه است.

نکته دیگر این که، هر شاعر ممکن است پس از سرودن هر شعر چندین و چند مرتبه آن را بازخوانی و اصلاح کند. اما این که در احوال شاعران بزرگ تاریخ نیز متواتر است که این کار، شیوه‌ای رایج و معهود بوده و سرآمد آنها حضرت حافظ است، شعر او «شعری است پیراسته، اصلاح شده و تراشیده... این که مجموعه اشعار موثق او امروز از پانصد غزل و چند پاره مثنوی و قطعه و رباعی رنمی‌گذرد، ناشی از همین نکته است. به هر حال شعری است تهذیب شده، حک و اصلاح یافته، بارها قلم خورده، بارها مضمونش عوض شده، بارها قافیه‌اش پس و پیش گردیده و شاید از همین رو شعری است آکنده از عمق و دقت»^۲

شاید که نه بلکه قطعاً اگر خالق این اثر هم علاوه بر عنصر درون‌زانی خیال و ذوق شاعرانه‌اش، آگاهی و شناخت بیشتری از فنون بلاغی ادبی داشت و پس از سرایش هر شعر، آن را بازخوانی و اصلاح می‌کرد، چه بسا اکنون اثری به مراتب گرانقدرتر از آنچه هست در دسترس بود.

به هر روی مجموعه حاضر حاصل ذوق و خیال و عاطفه شاعرانه‌ای است که خواننده

۱. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چ دهم، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۶، ص ۹۷.

۲. از کوچه زندان، زرین کوپ، عبدالحسین، چ دهم، نشر سخن، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۷.

اهل شعر و ادب را از حظّ و التذاذ درونی و عاطفی بهره‌مند می‌سازد و چه حسن اتفاق بود آشنایی من با جناب آقای علی‌اکبر عیشی که سرآغازی شد بر جریان گزینش و چاپ این اثر، البته در این مسیر، همراهی، همت و تلاش بی‌شائبه دوست عزیز و اهل قلم جناب آقای علی‌اصغر شاطری که بی‌هیچ چشمداشت مادی، مسئولیت و زحمت کار از مرحله گزینش و تایپ و اصلاح تا انجام تشریفات قانونی کسب اجازه نشر و آماده‌سازی نهایی متن برای چاپ، همه را یک تنه متقبل گردیدند، مایه اصلی چاپ و انتشار اثر شد که بسی شایسته درخور تقدیر است و جای دارد با اغتنام فرصت، از ایشان و همچنین نشر «متوسلین» آل محمد علیه السلام که کار نشر «سوز رسا» را عهده‌دار شدند، قدردانی و سپاسگزاری نمایم.

مصطفی رحیمی کاشانی

فروردین ۹۶

کاشان